**مبلمان شهری چیست؟**



**مقدمه**

انسان زمانی انسان می گردد که دارای هویت باشد و بتواند از منیت خود حرفی داشته باشد و این نیز ریشه در فرهنگ آن جامعه ای دارد که انسان در آن زندگی می کند، پس باید با آن آشنا شود و با بهره گیری از آن، هم خود و هم جامعه خود را باور کند. امروزه در سراسر جهان، طراحی محیط و مبلمان شهری در حیطه هویت و فرهنگ جامعه و شهروند می باشد و در کشور ما نیز طراحی مبلمان شهری حول محور باورها، دیده ها و فرهنگ جامعه ماست. در واقع طراحی مبلمان شهری از اندیشه ها و هویت یک جامعه برخواسته، به طوری که با هنر و خلاقیت ادغام شده و به گونه ای جاودان و ماندنی می شود که، بر همه اقشار جامعه نیز تأثیر گذار گردد. بنابر آنچه بیان شد اولین نقشی که برای طراحی مبلمان شهری قائل می شویم، همان برقراری ارتباط بصری مناسب بین طرح و انسان است و یا به زبانی دیگر، همان ارتباط بین مبلمان شهری و هویت انسان می باشد و در دومین نقش خود، وظیفه زیباسازی محیط را بر عهده می گیرد چرا که انسان زیبا پسند است و همین ویژگی در المان های شهری باعث آرامش انسان می شود.

**تعریف مبلمان شهری**

مجموعه اجزایی که در فضاهای شهری چیده می شوند و به استفاده عموم جهت رفع نیازهای زیست محیطی



می رسند و منظر و هویت شهری را، تحت شعاع قرار می دهد، مبلمان شهری گویند. نقش اصلی مبلمان شهری در سطح خیابان ها و فضاهای شهری ایجاد مکانهایی است که زبان ناطق هویت انسان و منظر شهری مطلوب، باشد. دكتر «سید امیر منصوری» استاد دانشگاه تهران، صاحبنظر در حوزه شهرسازی و مسئول بخش معماری منظر دانشگاه تهران در این باره میگوید: «مبلمان شهری مثل هر عنصر دیگری در سیمای شهر تاثیرگذار است و باید در این حوزه با طراحی و برنامه ریزیهای دقیق، متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم مردم حركت كرد.

مبلمان شهری خود انواع مختلفی دارد که هر کدام، از حیطه طراحی شهری، در راستای هویت شهر و سیمای آن گام بر می دارد و آینه ای از فرهنگ شهر است، که از انواع این مبلمان می توان به صندلی ها و نیمکت ها، ایستگاه های اتوبوس، سطل های زباله، بیلبوردها و تابلوهای آگهی، المان ها و نمادهای شهری و ... اشاره کرد، که خصوصیات منحصر به فرد هر کدام از این مبلمان ها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که با طراحی درست و مناسب هر کدام از آنها با توجه به خصوصیات و نحوه مکانیابی مناسب آنها، می توانند در جهت تأمین نیاز شهروندان و القاء هویت آنها نقش مؤثری را ایفا کنند. آقای مصطفی ماجدی در مقاله ای در رابطه با مبلمان شهری چنین می گوید: اجزاي مبلمان شهري، دو ويژگي اساسي دارند: كاركردي بودن و زيبايي، كه در صورت داشتن هر دو ويژگي، مي‌توانند نياز عملكردي و بصري شهروندان را همزمان برآورده سازند. البته اين امر، مستلزم در نظر گرفتن مقوله‌هاي متعددي در طراحي اجزاي مبلمان شهري است كه نه تنها رنگ، هماهنگي با محيط پيرامون، دوام، ايمني، و اقتصادي بودن آنها مورد نظر است، بلكه بايد از نظر عملكردي، جانمايي مناسبي در سطح شهر داشته باشند تا بتوانند پاسخگوي نياز شهروندان باشند.

از خصوصیات مهم اجزای مبلمان شهری وابسته بودن آنها به فرهنگ است. اینکه هر کدام از مبلمان شهری را در کجا قرار بدهیم و این چیدمان چقدر با استانداردهای تکنیکی که در فضای عمومی بکار می بریم، مطابقت دارد خود نگرشی که باید مورد تأمل قرار گیرد. در طراحی شهری، چگونه مبله کردن فضاهای شهری از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ برای مثال، چطور خیابان ها را از روشنایی مطلوب برخوردار کنیم و آیا نشانه های شهری و تابلوهای راهنما خوانا هستند و یا در مورد ایستگاههای اتوبوس، که یکی از مهمترین اجزای مبلمان شهری محسوب می شود و نقش مهمی در فرهنگ شهرنشینی دارد، باید طوری طراحی شوند که جذابیت آنها، شهروند را به استفاده از آن راغب کند و میدان دید مناسبی را داشته باشد بدین معنا که برای شهروندان حتی با کمی مسافت قابل شناسایی باشند، البته شایان ذکر است، ایستگاه های اتوبوس بهترین مکان برای تبلیغات مورد نیاز شهروندان می باشد، که این تبلیغات باید قابل فهم بوده و محدود به ضرورت ها شوند. در کل، اجزای مبلمان شهری باید طوری در فضا مکانیابی شوند که فضاهای شهری به عنوان فضای تنفسی و تعامل حوادث اجتماعی برای شهروندان باشد.

"فضاهای باز شامل جزئیات و اجزاء گوناگون ساخته دست بشر است، مانند مکان های نشستن، علائم و تابلوهای راهنما، مبلمان، چراغ های روشنایی، سطل های زباله و غیره... . در طراحی بافت کف، پله ها و نیمکت ها که می بایست به خوبی دیده شوند، لازم است بیشتر دقت شود. طراح علاوه بر اینکه فرم و شکل آن ها را طرح می کند، می بایست از میزان کارکرد آن ها نیز اطلاع داشته باشد این مسئله در مورد علائم و نشانه های خبری که در قالب تابلوهایی در معرض دید عموم قرار می گیرند نیز صادق است. به طوری که این علائم، باید کاملأ قابل رؤیت و متضاد با دیگر عوامل محیط و در عین حال با کل طرح هماهنگ باشند.

طراحی و اجرای مکان های مناسب برای نشستن در فضاهای باز مسکونی سبب ایجاد جذابیت و استقرار فعالیت های مختلف در این فضا ها می شود. این فعالیت ها برای کیفیت فضاهای باز در یک شهر یا ناحیه مسکونی آنقدر حیاتی هستند که قابلیت دسترسی به امکانات مناسب نشستن یا نبود این امکانات را باید به عنوان یکی از مهم ترین عوامل لازم برای ارزیابی کیفیت فضاهای عمومی مورد توجه قرار داد.

**تعریف هویت و تأثیر آن بر طراحی مبلمان شهری**

"کالن" هويت را چنين تعريف مي کند: توجه به شخصيت فردي هر محيط و پرهيز از يکنواختي و مشابهت در محيطهاي شهري. در تعريف "جيکوبز" هويت محيط در ارتباط با فعاليتها و زندگي در فضاها وعرصه هاي عمومي تعريف مي شود. "راپاپورت" هويت را خصوصيتي از محيط تعريف مي کند که در شرايط مختلف تغيير نمي کند ويا خصوصيتي که موجبات قابليت تميز وتشخيص عنصري را از عناصر ديگر فراهم مي آورد. تعريف "الکساندر" از هويت محيط اينست: هويت محيط حاصل ارتباط طبيعي ومنطقي فرد با محيط است واين ارتباط واحساس تعلق خاطر بوجود نخواهد آمد مگر آنکه فرد قادر به شناخت عميق محيط و درک تمايز آن از محيطهاي ديگر باشد. به عقيده "پروشانسکي" هويت محيط زير ساختي از هويت شخص است که از شناخت هاي ذهني فرد از دنياي کالبدي که در آن زندگي مي کند تشکيل مي شود. از نظر "لالي" هويت فرد در ربط ونسبيت با محيط بدست مي آيد

از تعریف این بزرگان، هویت را می توان اینگونه تعریف کرد؛ حس ها و تعلق خاطرهایی که فرد از محیط اطراف خود دارد و کیفیت ها و توقعات متفاوتی را در ذهن بوجود می آورد که دست آوردی همچون خاطرات را دارد و نقش مؤثری را در طراحی مبلمان شهری ایفا می کند، چرا که این هویت است که طراحی هر یک از المان های شهری را منحصر به فرد می کند و به آن کالبد معنا را می بخشد. همانطور که از نظر کوین لینچ (برنامه ریز و معمار آمریکایی) هویت و ساختار، تظاهر عینی معنی هستند و در کنار آنها سازگاری، خوانایی و شفافیت، کیفیت هایی می باشند که برقراری پیوند میان فرم شهر و سایر ابعاد زندگی را ممکن می سازد. آقای کامران کشمیری در مقاله ای از خود در مورد هویت شهری چنین می گوید: از آنجایی که «هویت»، مجموعه‌ایی از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر مي‌گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل مي‌گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می کند. پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروند‌سازی را تحت تاثیر قرار داده و می تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد.

در واقع این هویت است که از طراحی مبلمان و المان شهری رمز گشایی می کند و آنها را برای درک و خوانایی بهتر قابل پذیرش می کند. بیان این مطلب خالی از لطف نیست که بدانیم همین خاطرات جمعی و فردی ناشی از هویتی، که در طراحی مناسب المان ها و مبلمان شهری ایجاد می شود به نسل های بعد منتقل شده و در واقع کمک شایانی به حفظ هویت شهروندان، که خود نقش بسزایی در حفظ هویت شهری ما نیز دارد، می کند. همخوانی طراحی مبلمان شهری با هویت شهروندان و محیط های شهری از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که همین همخوانی هاست که ارتباط بین طرح و محیط را برقرار می سازد و همین باعث سیما و منظر شهری مطلوبی از دید ناظر می شود به گفته ی حسن فتحی(معمار مصری): بدبختانه، چشم آدمی مانند گوشش حساس نیست؛ وقتی صدای ناهنجاری می شنویم، ناخودآگاه از جا می پریم ولی هنگامی که چشمانمان تناسبی ناهنجار و ناهماهنگ با محیط، را می بیند، یکه نمی خورد مثلأ دردمان نمی آید. کاش چشم هایمان هم مثل گوش هایمان حساس بود، پس در طراحی مبلمان شهری باید به عاملی مهم چون خوانایی و سازگاری با محیط نیز توجه زیادی کرد چرا که خوانایی در طراحی مبلمان و المان های شهری احساس امنیت شهروندان را بالا می برد و حالت ابهام را از آنها دور می سازد و به شناخت بهتر محیط و تصویر ذهنی از آن کمک بسزایی می کند و توجه به این عوامل ، منظر شهری را نیز، تحت تأثیر خود قرار می دهد.

بر طبق گفته تاملینسون: هویت فرهنگی به عنوان نتیجه سالها و قرن ها زندگی اجتماعی و تعامل حیطه های جغرافیایی است، به این منظور که این حیطه های جغرافیایی تشکیل شده از پیوستگی طبیعی با گذشته اش، در واقع یک نتیجه فرهنگی ار میراث ها و آثار دست نخورده که به مردم تعلق دارند.

"طراحی شهری به عنوان محوری ضروری برای سیاست های طراحی در نسل جدید اسناد توسعه نواحی، منطقه ها، شهرها و روستاها وارد شده است و مفهومی ورای اصلاح و زیباسازی ظاهر خارجی فضای بین بناها را دارد و از مفاهیمی صرفأ آرایشی و زیبایی شناسانه ی گذشته و وارد تمامی جنبه ای زندگی انسانی در محیط خارجی انسان گشته است، که شامل نیازهایی چون هویت، حس تعلق، ایمنی و امنیت، خلاقیت، ارزش نفس و زندگی در محیط های سالم و پایدار می باشد. طراحی شهری در تمام مراحل و زمینه های طرح های توسعه در هر سطح و مقیاس عمل که باشد موظف به تأمین این نیازها و متولی تحقق کیفیت ها است.

**مقیاس طراحی**

"اصولأ طراحی ابعاد مختلفی دارد. از طراحی شیئی ساده، نیمکت یا باجه تلفن که در فضای شهری قرار می گیرد، تا طراحی منطقه همه موضوع بحث طراحی است، با این تفاوت که طراحی در مقیاس کوچک مفهومی محدود دارد، محصول آن مشخص است و خواسته های طراح بیشتر مبتنی بر مواردی مانند راحتی، زیبایی، دوام و صرفه اقتصادی است، اما طراحی در مقیاس شهر و منطقه مفهومی وسیعتر پیدا می کند و در اینجا نتیجه کار نه بر اساس طرح های قطعی، بلکه بر پایه طرح های انعطاف پذیر و مبتنی بر رهنمودهای مشخص قرار می گیرد که با محاسبه عوامل مؤثر سیاسی و اجتماعی \_ اقتصادی به صورت مدام در طول زمان شکل می یابد و لذا صورت فرآیند به خود می گیرد. در واقع فرآیند طراحی یک خانه پیچیده تر از فرآیند طراحی یک نیمکت و طراحی یک شهر دشوارتر از طراحی یک خانه است.

"برنامه طراحی شهری با محتوا و مقیاس های مختلف، در انطباق با اهداف طراحی مورد نیاز، تدوین می گردد. در مقیاس شهری، سطح کلان برنامه طراحی شهری در برگیرنده گستره شهر و حیطه مناظر طبیعی پیرامون آن است. تأکید این مقیاس از برنامه ریزی کالبدی بر معیارهای ساختاری، حفظ کیفیت های محیطی در منظر شهری، ساختار کلان بصری و سازمان کالبدی شهر است. ضوابط کنترل در این مقیاس طراحی شهری، دارای محتوای راهبردی است. سطح خرد طراحی شهری دربرگیرنده یک حوزه توسعه است که نیازمند تعیین تکلیف ساختار کالبدی برای آن است. این سطح از برنامه طراحی شهری بر سازمان کالبدی تأکید دارد. آرایش کالبدی فضاهای پر و خالی و ایجاد محصوریت های کالبدی در فضاهای باز تعریف نشده بر اساس کیفیت های محیطی فضاها، وجود ابنیه نمادین، نشانه ها، جداره ها و همچنین آرایش و استقرار عناصر سازمان کالبدی در آن ها از مهمترین اهداف سطح فوق از برنامه طراحی شهری است.

وقتی از دور به آبنمایی که فواره هایش با نورهای خوشرنگ و صدای آب مزین شده نگاه می کنیم نا خودآگاه قدم هایمان به سمت آن برداشته می شوند تا بر روی نیمکتی راحت که با فضای سبز اطراف آن محصور شده بنشینیم و نظاره گر فضای دلپذیری شویم تا لحظه ای از دنیای ماشینی دور شویم و به آرامش روحی و فکری برسیم و اگر زباله ای در دست داریم به اولین سطل زباله ای که با طراحی درست و جانمایی مناسب که در مسیر راهها تعبیه شده می رسیم و آن را می اندازیم یا اگر در شب در خیابانها و کوچه ها قدم می زنیم، آنقدر روشنایی و نور این فضاها خوب هستند که احساس امنیتی که در روز از این مکان ها داریم، در شب نیز همراهمان باشد. آیا اینها توقع زیادی هستند؟

به راستی چه عواملی از طراحی مبلمان شهری بر سیمای و منظر شهر، مؤثر است ؟ و چرا هنوز مکانهای کم اهمیت با مناظر نازیبا، به لحاظ نبود مبلمان مناسب و یا عدم رعایت طراحی خوب وجود دارد؟ آیا ما شهروندان نیز در این امر دخیل هستیم، یا فقط مسئولان را زیر سنگینی علامت سؤال قرار می دهیم؟

در طراحی مبلمان شهری باید عوامل غیر ضروری و نادرست حذف شده و اتکا بر نکات ضروری و برجسته بیشتر شود تا راهنمای مردم به ساده ترین شکل، برای بیان هویت آنها شوند چرا که همین مبلمان شهری با طراحی درست می تواند تأثیر بسزایی بر بالا بردن سطح فرهنگ جامعه، زیباسازی محیط و هماهنگی بین فرم و عملکرد طرح را داشته باشد. پس می توان این طور برآورد کرد که عوامل ضروری در طراحی مبلمان شهری از حیث منظر و هویت شهری چنین اند: سادگی و بی پیرایگی، مناسب بودن مقیاس آنها نسبت به محیط و فضای اطرافشان، ترکیب درست آنها با فضا و احجام اطرافشان، دسترسی، مکانیابی مناسب و میدان دید مناسب می باشد.

خانم مژگان کاوه در مقاله ای در این زمینه چنین می نویسد: مبحث مبلمان شهری در کنار رفع نیاز های مادی گروههای مختلف استفاده کننده از فضاهای شهری؛ به بعد زیبا شناسانه آن نیز باید بپردازد و این زیبایی بیش از هر چیز حاصل هماهنگی؛ وحدت و تنوع؛ تکرار شوندگی و انعطاف پذیری عناصر دخیل در طراحی شهری است. چه در غیر این صورت نابه سامانی و بی هدفی که امروز به دلیل پراکنده کاری و خود محورها به اصطلاح صرفه ی اقتصادی و نبود الگو و ضوابط مناسب و استاندارد شده برای این عناصر؛ بروز کرده چهره شهر را مخدوش نموده و راه گشا نیست.

که البته لازم به ذکر است، در طراحی مبلمان شهری عدم توجه به عامل زیبایی بر منظر شهری تأثیر می گذارد البته نباید طراحی مبلمان شهری را سلیقه ای کرد و بهتر است فاکتور های مؤثری مثل توجه به اقلیم و آب و هوا، فرهنگ و سنت های اجتماعی و مکانیابی و موقیت آنها را مد نظر گرفت. در طراحی مبلمان شهری شاید تفاوت هایی از نظر ساختاری بین آنها وجود داشته باشد اما همه این تفاوت ها و تمایزها در یک سری از جزییات با هم اشتراکاتی دارند که باعث پایداری و منسجم شدن آنها نسبت به هم در فضاهای شهری می شوند.

"برای طراحی پروژه های شهری که بیشتر روی افزایش و نگهداری مکان و هویت مکان تمرکز دارد و توانایی روبرو شدن با رقابت جهانی شدن را دارد، تغییراتی آشکار را می بینیم؛ مثل رامبلاس در بارسلونا جایی که جهانی شدن تغییرات چشم گیری را ایجاد می کند و بزرگترین رقابت این است که بین هویت شهری قابل تحمل و جهانی شدن تعامل ایجاد کنند و در واقع قابل تحمل بودن این مکان ها به یک سری عوامل که هویت و کیفیت و توانایی زندگی شهری نیز در ان دخیل هستند، بستگی دارند

"برای پیوند منطقی فضای جریان ها- جهانی و فضای مکان ها- محلی، باید بر محلی ماندن مکان ها تأکید نمود؛ محلی بودن به مفهوم کلی حفظ و ارتقاء تاریخ، سنت و فرهنگ مکان خاص مورد نظر در مقابل فضای همگانی جهانی. به این ترتیب اگر شهر را بستر و مکان جریان فرهنگ و اقتصاد جهانی در نظر بگیریم، انواع روش های جدید تاریخ گرایانه و متکی بر سنت ها و فرهنگ ملی کشور ها می تواند جنبه های محلی مکان و یا فضای مکان را تقویت نماید.

با تصور ساختار فضایی شهر جهانی متشکل از فضای عملکردی جهانی و هسته های شهری با عملکرد های غالب روزمره و عادی شهروندی، باید دید که فضای جریان ها و فضای مکان ها با ساختار فضایی شهر جهانی چه ارتباطی می یابد و ارتباط طراحی شهری با آن ها چیست؟